معیار تقویم کره در نصف النهار دحو الارض و امکانیت رویت بلال، قبل از آن

(45:08)

شاگرد۲: من که اصرار می کردم نظرتان را در بلد بدانم برای اینکه اینجا یک استلزامات بعدی خلاف ارتکازاتی هم هست؛ ممکن است بعضی دارند ماه را می‌بینند ولی چون بعد از دحو الارض است، باید بگوییم شما روزه نگیرید. بنابراین یک معیار برای کل نیاز داریم و یک معیار هم برای بلال نیاز است.

استاد: آن شش ساعت را بحث کردیم. اگر یادتان باشد گفتیم که معضل کار ما شش ساعتی بود که بعد از زوال دحو الارض بود تا وقت غروب. شاید دو-سه احتمال برای آن شش ساعت دادیم.

شاگرد: یعنی در ذهن شریفتان صاف شد؟

استاد: طبق مجموعه چیزهایی که از روایات در ذهنم هست، وقتی هر ماه این شکلها را نگاه می‌کنم، می‌بینم یک طرف از چیزهایی که در ذهن من است، راجح می‌شود و صاف می‌شود که می‌توان این را گفت. ولی این جور نیست که از حیث ادله اثباتیه، محمل فقط منحصر به فرد باشد. یعنی وقتی اغراضی که شارع مقدس از ماه دارد -که فقط آثار باطنی آن نیست، میقاتیت آن، تعظیم شعائر شرع و ...- را می‌بینیم، برای آدم صاف می‌شود که رضایت شارع در این است که مثلاً یوم الاحد اول ماه باشد. مآل و خروجی کار فقط این نیست که بگوییم ثبوتا به چه صورت است. خروجی کار، مجموع ادله اثباتیه و اغراض شارع است؛ یعنی بیایی و بگوییم شارع با مجموع اینها تعیین می‌کند و به ما دستور می‌دهد که برچسب اول ماه بودن یک شنبه را بزن یا نزن.

شاگرد: اگر ماه را ندیدند درحالی‌که فردا در نصف النهار دحو الارض می‌آید، تکلیف روزه آنها چیست؟ فرض بگیریم که ماه را در ونزوئلا قبل از زوال دیدند.

استاد: خب ما به ونزوئلا چه کار داریم؟! می‌گوییم هر لحظه‌ای که ماه از تحت‌الشعاع بیرون می‌آید، حالا می‌خواهیم برای کل کره یک روز را تعیین کنیم.

شاگرد: سوالم طبق معیار نصف النهار دحو الارض است.

استاد: شما همین را روی تقویم شمسی پیاده کنید، وقتی آن جا در ذهنتان واضح شد، این را هم می‌فهمید و تطبیقش آسان می‌شود. شما می‌خواهید برای کل کره در سازمان ملل بگویید که اول فروردین سال شمسی کل کره -نه ایران که ساعت یازده ببینیم- چه زمانی است. چه زمانی را بگوییم؟

شاگرد: نصف النهار تهران را معین می‌کنیم.

استاد: نه، اگر تهران را بگویی‌م، تاجیکستان هم عید دارند و با ما همراه نمی‌شوند.

شاگرد: باید یک نصف النهار را معلوم کنیم.

استاد: خب، اگر همان گرینویچی که خود سازمان ملل در ساعات عمل می‌کند، همان را معین کنیم برای قبل از زوال و بعدازِ زوالِ گرینویچ، دیگر تمام است. یعنی شما می‌گویید ببین اگر هنوز گرینویچ ایزده و نیم است و تحویل سال شد، امروز کل کره اول فروردین است. ولی اگر در گرینویچ نیم شده بعد از ظهر شده، کل کره فردایش اول فروردین است. ولو الآن در ایران بگوییم ما که قبل از زوال‌مان دیدیم. ما قبل از زوال می‌دیدیم می‌گفتیم امروز اول فروردین است. می‌گوییم نه، اگر شما می‌خواهید همراه همه باشد، چون آن جا بعد از زوالش دیده و شما بعد از زوال‌تان دیده‌اید، معیار کل همان گرینویچ است.

شاگرد: خب اینها اعتباریِ‌محض است ولی الآن وقتی در ونزوئلا ماه را دیده‌اند، ولی هنوز در نصف النهار دحو الارض هلال مشخص نشده. آنها زودتر دیده‌اند. درحالی‌که شما می‌گویید ملاک کل کره همان نصف النهار دحو الارض است، لذا خلاف ارتکاز است که بگوییم شما فردا روزه نگیر چون کل کره نشده.

استاد: ماه یک دور به دور زمین می‌گردد؛ این خط را باز کنید. حالا ماه قبل هم یک دور چرخیده است، آن را هم باز کنید و بچسبانید، نقاط معلوم است، ماه قبل را هم باز کنید و تا اول خلقت بروید، این خط‌ها را به هم وصل کرده‌ایم، وقتی کل این خط را در نظر می‌گیریم روی این خط برای کل کره یک شب بیست و چهار ساعته داریم و یک روز بیست و چهار ساعته داریم که دارد جلو می‌آید. به این صورت جلو می‌آید؛ یعنی ما برچسب زده‌ایم، می‌گوییم در این خط روز اول ماه برای کل کره از اینجا تا اینجا است. شما می‌گویید او که دارد ماه را می‌بیند و ماه که آغاز شده؟! می‌گوییم ما از اول خلقت برای این خط در نگاه کلان تقویم عالم خلقت برچسب زده‌ایم.

شاگرد: ولو اینکه دارد ماه را زودتر می‌بیند؟!

استاد: بله، یعنی ما آن برچسب را برای میزان و نظم کره زدیم، و آن نظمی هم که ملائکه می‌آیند و می‌روند، روی آن برچسب الهی است که خداوند متعال در بستر زمان باز شده قرار داده است. و لذا حضرت فرمودند صبح هم که شد نگو شب قبل پایان یافت؛ «ان صبیحة لیلة القدر کلیلة القدر فاجتهد»[1].

شاگرد: یعنی اگر در ونزوئلا واقعاً بخواهند شب قدر را درک کنند، باید تابع نصف النهار دحو الارض باشند؟

استاد: یعنی نصف النهار مکه میزان برای تقویم است.

شاگرد۲: حقیقت شب قدر هم همین است؟

استاد: این میزان هم ثبوتا چند گزینه داشت. روایت عبدی زوال را می‌گوید. و الا شما می‌توانید مقابلش را قرار بدهید. یعنی بگویید روی قبل از نصف شب دحو الارض، میزان است. مثل الآن که ما دوشنبه را از نصف شب آغاز می‌کنیم، بگوییم نصف شب میزان است. اگر ایزده و نیم شب دحو الارض هلال شد، فردا دیگر دلت جمع باشد. ببینید خود این دو میزان دارد. مرحوم مجلسی هم فرمودند. حالا خدای متعال برای اینکه نزول ملائکه را تقدیر کند، برای این قطعات یک نظمی قرار

داده است. این قطعاتی که قرار داده ام روی کره منطبق می‌کنیم. خب خلاصه بیست و چهار ساعت است، یک جا روز و یک جا شب است. ولی کل کره ارد بیست و چهار ساعت پوشش می‌کند. در این فاصله لیله القدر می‌شود. شما می‌گویید هلال را دید، درست است اما این مقطع برای کل کره اول ماه است. برای او در این شرائط است که مثلاً بعد از ظهر ای صبح می‌بینند.

شاگرد: در روزه گرفتن هم همینطور است؟ یعنی نباید روزه بگیرد؟ مثلاً در وزوئلا دیدند... .

استاد: روی مبنای مشهور باید بگیرد.

شاگرد: روی مبنای حضرت عالی.

استاد: اگر بگویی‌م شهر برای کل است همانطوری که کل می‌گیرند.

شاگرد: یعنی حتی اگر ماه را در غروب دید، نباید فردا را روزه بگیرد؟

استاد: این از مواردی است که شما باید نشانش بدهید. طبق دحو الارض، اینجا الآن حالشان این است. و این لازمه بیّن البطلان نزد متشرعه است. اینکه کلی بگویید، این جور نیست. یعنی شما باید کره را باز کنید و روی نرم‌افزار اسم ببرید.

شاگرد: بالأخره یک فرض دارد.

استاد: نه، نمی‌توانید همینطور بگویید. و الا به نظر جلیل برای اینکه اشکال کند، به ذهن می‌آید. اگر یادتان باشد من تا شانزده ساعت برگرداندم. گفتم علی ای‌حال دور جدید آغاز شده است. یعنی اگر جایی که اهلال هلال باشد، برای دورترین نقطه‌ای که شما می‌گویید، در همان وقت آنها که می‌خواهد شروع کند، مقارنه صورت گرفته است. یعنی دور جدید آغاز شده است. شش ساعت بود که محل اشکال بود. نمی‌دانم چطور حلش کردیم. می‌خواهم بگویم سریع تصمیم‌گیری نکنید. با محاسبه پیدا کنید، آن وقت فکرش را کنیم که باید چه بگویی‌م تا خلاف مرتکزات متشرعه نشود. ببینید «صم للرویه و افطر للرویه» بسیار مهم بود. روایاتی بود که حتی مسلمین ساعت سه بعد از ظهر هلال را دیدند و خوردند. یعنی گفته بودند «افطر للرویه». شما بعداً می گویید بعد از ظهر خوردند؟! اینها چیزهایی است که خلاف مانوس ما است؛ اما «صم للرویه» یعنی وقتی دیدی بخور. مخصوصاً با آن روایتی که می‌گفت کل ماه باید صائم باشید و خداوند تخفیف داد که شب‌ها را بردارد. لذا روی این مبانی آنها خیلی چیز عجیب و غریبی نمی‌شود؛ «صم للرویه و افطر للرویه». قطعاتش هم معلوم است. شما آن جا می‌گویید دیدند، خب دیدند ماه را شروع کنند. ولی طبق مبانی دیگر یک چیز عجیب و غریبی در می‌آید. مانعی ندارد طبق مبانی حرفی غریب باشد و طبق مبانی دیگر مشکلی نداشته باشد.

مبانی عدد و تطبیق آن با مانحن فیه

(56:35)

شاگرد۲: اگر مقارنه را معیار بگیری‌م، می‌خواهد مقارنه در صفر نصف النهار مکه صورت بگیرد. آن وقت برای روایات عدد محملی می‌شود؛ برای کبیسه گیری یک ماه بیست و نه و یک ماه سی روزه باشد. چون شهر وسطی دوازده ساعت و خرده‌ای اضافه دارد. یک بیست و نه که می‌رود دوباره به

ساعت صفر نصف النهار کعبه می‌رسد. دوازده و خرده ای که در شود، از نصف النهار در شده و مقارنه بعدی بعد از نصف النهار صورت می‌گیرد. در بعدی دوباره تقریباً روی ساعت صفر نصف النهار می‌آید و دوباره بعدش آن طرف می‌رود. این کبیسه گیری درست می‌شود.

استاد: اتفاقا یکی از ادله اثباتیه که بحث بود، خود روایات عدد است با کبیسه. همان روایت سیاری بود. اگر دحو الارض را میزان قرار بدهید، شما می‌توانید بدون محاسبه رویت و هلال، با همین محاسبه کبیسه و یکی درمیان، تقویم جهانی را بصورت کامل سامان بدهید. بعد شما می‌گویید فلان جا که دارند می‌بینند، شما می‌گویید روزه نگیر و فردا بگیر؟! مانعی ندارد. وقتی بناء بر اعداد شد، یعنی ماه یک روز ناقص و یک روز کامل می‌شود، بعد هم سر سال کبیسه می‌گیریم، دیگر اصلاً به‌دنبال هلال نمی‌رویم. می گویند: این خلاف سیره مسلمین است! «لیس علی المسلمین الا الرویه»! قبلاً بحثش کردیم که آنجا هم دارد لیس علی المسلمین،. ولی خب فعلاً روایات عدد بیرون گود ِبحث است. لذا اصلاً مطرح نکرده‌ام. نزدیک بیست سال در دفترم مطالبی را نوشته بودم. اتفاقا آن جا روایت عدد را جزء ادله اثباتیه به‌عنوان یکی از اطراف تعارض آورده بودم. این هم جزء اطراف تعارض است. یعنی راهی ثبوتی برای نظم دادن است. کشف آن قطعات زمانی‌که خداوند متعال از روز اول خلقت آثار تکوینی را برای او بار کرده و احکامش را ثبوتا برایشان بار کرده. می‌خواهیم کشفش کنیم. یکی از راه‌های کشفش اعداد است. یکی از راه‌های کشفش رویت وقت غروب است. یکی از راه‌های کشفش رویت قبل از زوال کل بلد است. یکی از راه‌های کشفش رویت قبل از زوال نصف النهار دحو الارض است. این‌ها چیزهایی است که موجود است. حال شما مجموع این‌ها را در نظر بگیری، الآن این ماه برای مسلمین چه بگوییم؟ خیلی از چیزها را می‌توانیم در نظر بگیریم با مجموع چیزهایی که داریم بعد برایتان واضح می شود که الآن آن چه که ارضی للشارع است، این است که یک شنبه اول ماه باشد یا دوشنبه؟

والحمد لله رب العالمین

---

[1] الإقبال بالأعمال الحسنة (ط – الحديثة)، ج۱، ص: ۳۵۰

بازبینی #2
ایجاد شده 29 ژانویه 2026 15:25:55 توسط ... .
به روزرسانی شده 29 ژانویه 2026 15:29:33 توسط ... .